

به نام خدا

فرهنگ افعال قرآن کریم
(أ_ر)

به وسیله ی

ساره بردبار

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی
از فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی

الهیات (علوم قرآن و حدیث)

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: —

دکتر سید محمد هادی زبرجد، استادیار بخش الهیات

دکتر علی اکبر کلانتری، استادیار بخش الهیات

دکتر مهدی احمدی، استادیار بخش الهیات

شهریورماه ۱۳۸۸

فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات
۱	مقدمه
۱۲	تعریف واژه ها
۱۵	مروری بر تحقیقات انجام شده
۱۸	روش انجام کار
	فصل دوم: همزه
	فصل سوم: باء
	فصل چهارم: تاء
	فصل پنجم: ثاء
	فصل ششم: جیم
	فصل هفتم: حاء
	فصل هشتم: خاء
	فصل نهم: دال
	فصل دهم: ذال
	فصل یازدهم: راء
	نتیجه گیری
	پیوست شماره یک
	پیوست شماره دو
	فهرست منابع

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۶۷	جداول شماره ۱ حرف همزه
۱۳۲	جداول شماره ۲ حرف باء
۱۴۵	جداول شماره ۳ حرف تاء
۱۵۷	جداول شماره ۴ حرف ثاء
۱۹۲	جداول شماره ۵ حرف جيم
۲۵۸	جداول شماره ۶ حرف حاء
۳۰۸	جداول شماره ۷ حرف خاء
۳۳۷	جداول شماره ۸ حرف دال
۳۵۲	جداول شماره ۹ حرف ذال
۳۹۸	جداول شماره ۱۰ حرف راء
۴۰۰	جدول آماری کل افعال

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۴۷۸	نمودار شماره ۱ مقایسه افعال ماضی، مضارع و امر
۴۷۹	نمودار شماره ۲ نسبت و درصد افعال ماضی، مضارع و امر
۴۸۰	نمودار شماره ۳ مقایسه افعال معلوم و مجهول در ثلاثی مجرد و مزید
۴۸۱	نمودار شماره ۴ مقایسه افعال لازم و متعدی در ثلاثی مجرد و مزید

فصل اول: کلیات

مقدمه:

جایگاه و منزلت قرآن کریم به ویژه در ارتباط با نقش کلیدی آن در هدایت انسان به سمت و سوی سعادت جاودانه، اقتضا دارد که وی در فراگیری پیام این نامه‌ی هدایت و نیز تفکر و تدبّر در آیات و کلمات آن بکوشد. اندیشه و تفکر در آیات قرآن کریم و ایمان به آیاتش و بحث و تحقیق در معانی آن و جستجوی واژه‌های عربی که قرآن کریم با آن نازل شده است جهت راه یافتن و هدایت به سوی راهی که معین شده و خلق را به سوی دعوت کرده اند و به وسیله‌ی آن راه مستقیم را واضح و روشن نموده اند؛ لازم و ضروری است.

بدیهی است تفکر و تدبّر در آیات قرآن کریم در گرو امور چندی است که از جمله‌ی آن‌ها فراگیری مفاهیم واژه‌های آن است. راغب در مقدمه کتاب مفردات خود چنین گفته است: (تحصیل و پرداختن به علوم قرآنی از راه شناسائی الفاظ آن آغاز می‌شود، الفاظ قرآن خلاصه و گزیده سخن عرب است.)^۱ خدای متعال فرموده است:

(إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ - ۲ / یوسف) (وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ - ۱۹۵ / شعراء).

از طرفی قرآن کریم که آخرین کتاب آسمانی و معجزه جاویدان پیامبر^۹ است دارای ویژگی‌های اعجاز آمیز زیادی است که جاودانگی آن را تضمین می‌کند.

این کتاب که به زبان عربی فصیح نازل گشته از دیرباز توجه ادیبان و دانشمندان علم صرف و نحو و عالمان علوم بلاغی را به خود جلب کرده است زیرا این کتاب همان گونه که خود گویای آن است، مملو از اعجازات ظاهری و باطنی و فراوان و مختلفی است و یکی از مهم ترین اعجازات ظاهری آن مربوط به چگونگی استفاده از لغات می‌گردد.

بنابراین آموختن زبان عربی که به وسیله آن آموزش و فراگیری نماز و قرآن و ذکر حاصل می‌شود بر عموم مسلمین لازم است و خواص و متخصصین نیازمند به آموختن زبان عرب و آشنائی به واژه‌های آنند که به وسیله آن لغات کتاب خدا و سنت و آثار و اقوال مفسرین از صحابه و تابعین شناخته می‌شود.

۱ - ترجمه مفردات، راغب، م. خسروی، ج ۱، ص ۱۰۶.

کسی که زبان عرب را آموخت و بر روش‌هایش آگاهی یافت و آن چه را اهل تفسیر تأویل کرده‌اند فهمید، شبهات و تردیدهایی که بر نادان‌ها و بدعت‌گزاران داخل است از او برطرف شده است.

ازهری می‌نویسد: (صحابه پیامبر نیازی به آموختن لغت نداشتند زیرا پیامبر^۹ برای پرسش‌کنندگان و مخاطبین قرآن، متشابهاتش را بیان می‌کرد ولی بعد از صحابه نیاز و احتیاج به فهم آن‌ها احساس شد و انگیزه مهمّ از تألیف این کتاب [التهدیب] اهدافی است که با آن‌ها معانی قرآن و الفاظ سنّت شناخته شود.)^۱

زید بن علی در غریب القرآن می‌گوید:

در حال حاضر مسلمانان از این کتاب عزیز بسیار دور شده‌اند و کسی در پی عمل به آن نیست، بلکه در پی فهم و یادگیری آن هم نیست؛ از زمان‌های دوری احساس حاجت کردم به تفسیر بعضی از کلمات قرآنی که ما از آن‌ها دور شده‌ایم (و آن‌ها واژه‌ها برای ما غریب شده‌اند) و به دنبال آن در نتیجه‌ی آن دوری معانی آن‌ها بر ما مخفی شده است.^۲

و در جایی دیگر می‌نویسد:

دوری مردم از رسول خدا و ائمه اهل بیت: و عدم استفاده مردم از چشمه‌های گوارا و جوشان؛ (هم‌چنین) دنباله‌روی آن‌ها از کسانی که ادعای علم و فقه دارند از قصه پردازان و کسانی که به دروغ و زور تکیه به مسند خلافت زده‌اند، فاصله‌های زیادی بین قرآن و امت ایجاد کرد، در نتیجه قرآن در بین آنان غریب شد، بعد از آن که برای آنان با زبانی که بدان تکلم می‌کردند و لغتی که آن را می‌فهمیدند نازل شده بود.^۳

آشنایی با معنای صحیح لغات قرآن کریم در ترجمه و تفسیر تأثیر مستقیم دارد و شناخت آن از شروط مفسر است؛ از طرفی لغت نامه‌های موجود هر که چند دقیق هستند اما پاسخ‌گوی نیاز مفسر در برخی موارد نیستند زیرا تنها به بحث‌های لغوی پرداخته‌اند به عنوان مثال قاعده‌ی تضمین از مواردی است که در آیات قرآن کریم بسیار مورد استفاده قرار گرفته است اما در کتب لغت کم‌تر بدان توجه شده است؛

بنابراین لازم است فرهنگی تدوین گردد تا مطالب تفسیری در کنار مطالب لغوی بیان گردد؛ از طرفی کاربرد هر واژه در این فرهنگ مشخص شده باشد و بسامد انواع فعل‌ها را در قرآن کریم بیان کند.

کارهای مشابهی که در این زمینه انجام شده است، خود افتادگی‌ها و نقص‌هایی را به

۱ - مقدمه تهذیب اللغه، ازهری، ص ۱۲.

۲ - غریب القرآن، زید بن علی، ص ۷.

۳ - غریب القرآن، زید بن علی، ص ۵۹.

همراه دارد؛ از طرفی تنوع فرهنگ‌های واژه‌شناسی و تقسیم واژگان عربی به اسم و فعل و حرف، به نوعی در شکل‌گیری و تقسیم منابع لغوی تأثیر دارد فعل در زبان عربی کاربرد فراوانی داشته و اصلی‌ترین رکن جمله به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که نحوین حتی برای جمله‌های فاقد فعل نیز که کاربرد زیادی در زبان عربی ندارند، معمولاً افعال تقدیری در نظر می‌گیرند لذا ضروری است فرهنگی که تنها به فعل اختصاص داشته باشد و هر فعل را بررسی کند، تدوین یابد. لازم به ذکر است کتاب‌هایی در گذشته درباره افعال نوشته شده است مانند: الافعال ابن قوطیه و ابن طریف و سرقنطی (سرقسطی) و ابن قطاع^۱ که در حال حاضر این کتاب‌ها کمیاب گشته‌اند.

از جمله اشکالاتی که کتاب‌های لغت دچار آن هستند، آن است که لغویین در صدد شرح لغات و بیان معانی افعال برآمده، به ذکر حروفی که افعال با آن متعدی می‌شوند، نپرداخته‌اند. بنابراین لازم دیده شد قدمی در همین راستا برداریم، لذا آن چه در پیش رو دارید در راستای تحقق بخشیدن به این مهم و بستر سازی مناسب برای فهم مفاهیم واژه‌های قرآن کریم به سبکی جدید است.

ویژگی‌های این اثر:

۱. از آن‌جا که هدف از ریشه‌یابی واژه‌های قرآن، دست‌یابی به معانی رایج آن‌ها در زمان نزول قرآن است، بهترین کتاب‌هایی که ما را در این هدف کمک می‌کنند، قدیمی‌ترین آن‌هاست. ملاک اصلی کار کتب قدیمی بوده است در عین حال از کتب جدید نیز غافل نشده ایم.
۲. در نقل لغات و معانی آن‌ها به کتب دقیق، معتبر و صحیحی چون صحاح، مقاییس اللغه، مصباح المنیر، العین، مفردات و لسان العرب اعتماد کرده ایم.
۳. هر معنایی که برای هر واژه بیان گردیده است در پاورقی ارجاع داده شده است لذا نظر خود نویسنده در ترجمه لغات دخالتی نداشته است.
۴. در بیان معانی هر ریشه به بیان آن دسته از معانی که در قرآن کریم کاربرد داشته‌اند اکتفا کرده ایم و از ذکر معنا یا معانی دیگر آن‌ها خودداری کرده ایم.
۵. ابتدا معنای اصلی ریشه بیان گردیده و سپس معانی افعال بیان شده است.
۶. برای به دست آوردن معنای اصلی کلمه به منابع مستند و معتبر زیر - که مربوط به چند قرن اول است - مراجعه شده است:

۱ - البرهان فی علوم القرآن، زرکشی، ج ۱، ص ۳۹۵.

العین خلیل بن احمد متوفای سال ۱۷۵- ه.ق معجم مقاییس اللغه ابن فارس متوفای ۳۹۵ ه.ق. صحاح اللغه جوهری متوفای ۳۸۶ ه.ق.، مفردات راغب متوفای ۵۰۲ ه.ق.

۷. در تنظیم واژه ها و فعل های قرآنی از شیوه ریشه ای استفاده شده است نه شیوه الفبائی بنابراین کلماتی مانند «أَخَذَ»، «خَدُوا»، «تَخَذَ»، «يُؤَاخِذُكُمْ» همه در فصل همزه و در ذیل ریشه (أ خ ذ) مورد بررسی قرار گرفته است.

۸. نگارش آن بر اساس کتاب المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم از محمد فؤاد عبد الباقی صورت گرفته اما اشتباهات و افتادگی های این کتاب تصحیح شده است، مانند: واژه «اذکر» که ماضی باب افتعال از ریشه ی (ذ ک ر) است، ذیل آن ذکر نشده و افتادگی دارد و فعل «حَسَنَ» در آیه ی ۶۹ سوره مبارکه نساء نیز از قلم افتاده است.

۹. برای هر نوع فعل یک شاهد قرآنی ذکر شده است. در مواردی که فعل چند معنا داشته و در قرآن کریم نیز آن معانی استعمال شده است، برای هر معنا نیز شاهی آورده ایم.

۱۰. شواهد بدین ترتیب آورده شده اند: ابتدا ثلاثی مجرد و سپس ثلاثی مزید و از هر کدام به ترتیب، ماضی، مضارع، امر را ذکر کرده ایم.

۱۱. در بخش شواهد به روش راغب و خلیل و دیگر بزرگان تأسی جسته از ذکر کامل آیات پرهیز شده و تنها جمله ای از آیه که مد نظر بوده است به عنوان شاهد آورده شده است.

۱۲. سعی شده است عبارات و آیات قرآنی همه جا با اعراب کامل آورده شوند.

۱۳. ملاک ترجمه آیات قرآن کریم ترجمه ی آقای فولادوند است، اما در مواردی که دیگر مترجمین ترجمه مناسبتری را ارائه کرده اند ترجمه ی ایشان را نیز آورده ایم. آقای فولادوند ترجمه معنایی کل جمله را بیان کرده اند، لذا در برخی موارد ترجمه ی ایشان با ترجمه ارائه شده در قسمت لغوی یکسان نیست.

۱۴. بنا بر مختصر گویی بوده است به همین دلیل از طولانی کردن بحث و نقل مطالب خارج از موضوع بحث و مکررات پرهیز شده است تا محقق در کم ترین زمان صرف شده، بیشترین اطلاعات را به دست آورد.

کم یاب بودن کتب و نسخ قدیمی، مشکل به امانت گیری بودن اکثر کتاب های مربوطه و غنی نبودن کتابخانه ها از جمله محدودیت های تحقیق می باشد.

برای آشنایی بیشتر خوانندگان با بزرگان لغت، مختصری از زندگی نامه برخی از آن ها را که از کتبشان در این تحقیق استفاده شده است، بیان می کنیم:

۱. خلیل بن احمد:

ابوعبدالرحمان خلیل بن أحمد بن عمرو بن تمیم فراهیدی بصری از اعلام قرن دوم هجری

است. او عربی الاصل و از طایفه «أزد» در عمان است.

وی در علم لغت و فرهنگ نویسی دست داشته و مؤسس علم عروض به شمار می رود. خلیل بن احمد در بصره سال ۱۰۰ ه.ق متولد شد و در آن جا رشد کرد و به علم و دانش علاقه ای فراوان داشت. وی در حلقه های درسی اساتیدش عیسی بن عمر و ابو عمرو بن علاء شرکت می کرد. عیسی بن عمر امام او در علوم عربی و قرائات بود و در این فن دو کتاب «الکامل» و «الجامع» را تصنیف نمود. خلیل بن احمد از بزرگانی چون ایوب و عاصم احوال و دیگران حدیث نقل نموده و بزرگانی چون سیبویه و أصمعی و نصر بن شمیل از او أخذ حدیث کرده اند. ابن معتمر می گوید: خلیل کاملاً در آن چه نوشته است دقیق بوده و دقت کامل صرف کرده است و او استاد سیبویه است و تمامی حکایات و روایات در کتاب سیبویه منقول از خلیل است. گفته شده به علم موسیقی نیز آگاه بوده و شاعری توانا بوده است.^۱ خلیل بن احمد دارای تصانیف متعددی است که از جمله مشهورترین آن ها کتاب «العین» است که اولین کتاب در فرهنگ نامه لغت عرب است. (العین) به ترتیب حروف حلقی (ع-ح-ه-غ-...) تنظیم شده است و نسخه‌هایی از آن تا قرن سوّم و چهارم وجود داشته که ابو منصور ازهری و شیخ طوسی نظرات او را با اعتماد کامل و در مقیاس بسیار زیادی نقل کرده‌اند.

ابن ندیم می‌نویسد: علی بن مهدی گفت من از محمد بن منصور یک نسخه از کتاب العین را گرفتم که او هم از نسخه لیث بن مظفر بن نصر سیار نسخه برداری کرده بود و لیث از فقها و زهادی بود که مأمون کوشش داشت او را به قضاوت تعیین کند و او نپذیرفت، وفات خلیل در ۱۷۰ ه.ق در بصره اتفاق افتاد، خلیل از زهادی بود که پیوسته با علم سر و کار داشت و رویه کار خود را به لیث یاد داده بود و چون مرگ او را در ربود، لیث آن را به اتمام رساند^۲ همین نظر را ابو منصور ازهری دارد، وی می‌نویسد:

(میان واژه شناسان در این نظر که تأسیس مجمل در آغاز کتاب العین از خلیل بن احمد است، اختلافی نیست، و این که ابن مظفر بعد از این که آن را از خلیل اخذ کرد، کتاب را کامل نمود؛ هیچ اختلافی نیست).^۳

از جمله کتاب های او (معانی الحروف- شرح حروف الجمل- جمله آلات العرب) است، و از شاگردانش (سیبویه- نصر بن شمیل- مروج سدوسی) است. وی در سال ۱۷۰ ه.ق از دنیا رفت.^۴

۱ - موسوعه العربیه العالمیه، به نقل از [online] <<http://www.w3.org/1999/xhtml>> [۲۰۰۹/۶/۲۷]

۲ - الفهرست، ابن ندیم، ص ۷۱.

۳ - مقدمه التهذیب، ازهری، ج ۱، ص ۴۱.

۴ - ترجمه مفردات، راغب، م. خسروی، ج ۱، ص ۴۴.

۲. جوهری:

اسماعیل بن حماد جوهری فارابی، عالم لغت و ادب؛ کنیه او ابونصر است و خواهرزاده ابواسحاق فارابی صاحب کتاب دیوان الادب می باشد. اصلیت او از فاراب از بلاد ترک است. جوهری در زمان خود، از حیث ذکاوت و زیرکی و علم، از عجائب روزگار بود. از بزرگان لغت و ادب و در کلام و اصول بسیار متبحر و در خوشنویسی، خط بسیار زیبایی داشت به حدی که تشخیص خط او از خط ابوعبدالله بن مقله دشوار بود. او دائم السفر بود، در عراق نزد ابوعلی فارسی و ابوسعید سیرافی زبان و ادبیات عرب را آموخت. بعد به حجاز رفت و با اعراب بادیه نشین همدم شد تا لغت و زبان معمول را از آن ها بیاموزد. در بلاد "ریعه و مضر" سفر کرد. بعد از سال ها رنج و تلاش که در طلب لغت کرد و به نتیجه مطلوب رسید، به طرف خراسان آمد، در مسیر راه که به دامغان رسید خدمت ابوعلی حسین که از نویسندگان بزرگ بود، رفت و از او بهره ها برد. ابوعلی او را به نیشابور فرستاد. او دیگر برای همیشه در نیشابور ماند و در آن جا به تدریس و تألیف پرداخت و تعلیم خط و کتابت قرآن ها و دفترها را به عهده داشت تا از دنیا رفت. مرگ او را در سال ۳۸۶ هـ ق گفته اند. به این شکل که در او جنونی پدید آمد، به جامع قدیم نیشابور رفت و بر پشت بام آن جا بالا رفت و گفت: ای مردم من در این دنیا کاری کرده ام که کسی مانند آن نکرده است. می خواهم برای آخرت هم کاری کنم که تاکنون کسی چنان کار را نکرده است. آن وقت دو لنگه درب را به پهلو خود بست و آن ها را با طناب سفت کرد و بر بالاترین قسمت پشت بام رفت و به قصد پریدن از بام، فرود آمد و بر زمین افتاد و مرد!

از جمله آثار وی: ۱. صحاح اللغه (در لغت است که تا باب «ضاد» آن از جوهری است، بقیه آن کتاب نوشته ماند و او از دنیا رفت. این کتاب بر «جمهره و تهذیب اللغه و مجمل اللغه» برتری دارد، زیرا معنای لغت در آن بسیار آسان تر است، ۲. کتاب المقدمه (در نحو) ۳. کتاب العروض (کتابی بسیار نیکو و آن را عروض الورقه گویند). جوهری کتاب صحاح خود را برای ابومنصور عبدالرحیم بن محمد بیشکی تألیف کرد.^۱

۳. ابن فارس:

ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا بن حبیب (۳۹۵ق/۱۰۰۵م) نحوی، لغوی، ادیب، شاعر و یکی از چهره‌های درخشان ادب عربی در سده چهارم هـ ق است سال و محل تولد او به درستی

۱ - معجم الادباء، یاقوت حموی، ج ۱، ص ۲۹۳.

روشن نیست، اما ظاهراً در یکی از روستاهای قزوین به دنیا آمده. وی در قزوین نزد پدرش زکریا بن فارس که فقیهی شافعی مذهب و دانشمندی اهل لغت و ادب بود، دانش آموخت و چندی بعد از همو کتاب اصلاح المنطق ابن سکتیت را روایت کرد. در موارد دیگری نیز از پدر خود روایت کرده است.^۱ وی از آغاز تشنه آموختن بود و چنان که پیداست، در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرد. آوازه هر استادی را در هر جا که شنید، به سوی وی شتافت؛ در قزوین، همدان، زنجان، میانه، اصفهان و بغداد به تحصیل پرداخت^۲ و استادان بسیار دید، به گونه‌ای که اکنون نام بیش از ۳۰ تن از استادان او در دست است که معروف‌ترین آن‌ها اینانند: ابوالفضل محمد بن عمید^۳ علی بن ابراهیم بن سلمه قطان،^۴ ابوالقاسم سلیمان ابن احمد بن ایوب طبرانی،^۵ ابوسعید سیرافی^۶ و گروهی دیگر. ابن فارس به زودی در فقه، حدیث، نحو، لغت و شعر و ادب، دانش کافی به دست آورد^۷ و شهرتش عالمگیر شد. وی که فقیه زبردستی بود، به شیوه اهل حدیث مجلس املا داشت^۸ و به گفته ثعالبی^۹ اتقان علمی دانشمندان و ذوق و ظرافت کاتبان و شاعران را در خود جمع کرده بود و مقام او در همدان، با ابن لنکک در عراق، ابن خالویه در شام، ابن علاف در فارس و ابوبکر خوارزمی در خراسان برابر بود. به گفته صاحب بن عباد نوشته‌هایش از اشتباه خالی بود.^{۱۰} چند تن از چهره‌های بزرگ ادبی و سیاسی در سده چهارم ه.ق از شاگردان او بوده‌اند. نخستین آن‌ها بدیع‌الزمان همدانی پایه‌گذار فن مقاله‌نویسی است که گفته‌اند، این فن را از وی آموخت.^{۱۱} این شاگرد و استاد به‌رغم برخی کدورت‌ها، همواره با یکدیگر روابطی دوستانه داشته‌اند^{۱۲} صاحب بن عباد وزیر دانشمند و ادب دوست دیلمیان از دیگر شاگردان او بود که ظاهراً به این شاگردی بسیار افتخار می‌کرده است.^{۱۳} ابوالفتح ابن عمید، فرزند ابوالفضل ابن عمید که جانشین پدر در مقام وزارت شد و نیز ابوطالب مجدالدوله واپسین فرمانروای آل بویه، از دیگر شاگردان او بوده‌اند.^{۱۴}

۱ - معجم المقاییس اللغة، ابن فارس، ج ۱، ص ۵.

۲ - التدوین فی اخبار القزوین، رافعی، ج ۲، ص ۲۱۵.

۳ - معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، ج ۱، ص ۲۰۶.

۴ - التدوین فی اخبار القزوین، رافعی، ج ۲، ص ۲۱۵.

۵ - ، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد، ابن دمیاطی، ص ۶۶.

۶ - احمد بن فارس ، حمودی، ص ۴۰.

۷ - و فیات ، ابن خلکان، ج ۱، ص ۱۱۸.

۸ - التدوین فی اخبار القزوین، رافعی، ج ۲، ص ۲۱۵.

۹ - یتیمه الدهر، ثعالبی، ج ۳، ص ۲۹۷.

۱۰ - نزهه الالباء فی طبقات الادباء ابن انباری، ص ۲۲۰.

۱۱ - احمد بن فارس، حمودی، ص ۱۶۴.

۱۲ - النثر الفنی فی القرن الرابع، زکی مبارک، صص ۳۳-۳۵.

۱۳ - نزهه الالباء فی طبقات الادباء ابن انباری، صص ۲۲۲-۲۲۰.

۱۴ - نزهه الالباء فی طبقات الادباء ابن انباری، صص ۲۲۰-۲۱۹.

اما شهرت و اهمیت وی در لغت و نیز آثاری که در این زمینه تألیف کرده، به گونه‌ای است که همه آن‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. کتاب‌الصاحبی وی نخستین اثری است که در آن به دور از بحث‌های سنتی نحویان به مباحث زبان‌شناسی پرداخته است. همین کتاب است که بعدها مبنای کار سیوطی در المزهَر قرار گرفت.^۱ کتاب مجمل‌اللغه او نیز در تاریخ فرهنگ‌نویسی عرب که با کتاب العین خلیل آغاز می‌شود و با ازهری و ابن‌درید اندک اندک دگرگون می‌گردد، نقطه عطفی به شمار می‌رود؛^۲ چه وی نخستین کسی است که در تنظیم مفردات لغت به جای استفاده از مخارج اصوات، آن‌ها را بر مبنای حروف الفبا تنظیم کرده است. غرض وی از تألیف این کتاب که یکی از مشهورترین آثار اوست، آسان ساختن معرفت به مفردات زبان عربی برای طالبان آن بوده^۳ و ظاهراً به خواهش یکی از شاگردان خود دست به تألیف آن زده است. به همین سبب در تنظیم آن شیوه‌ای خلاف روش معمول فرهنگ‌نویسان عرب پیش گرفته^۴ و با شواهد شعری فراوان برپایه نظریات لغت‌شناسان مشهور، به توضیح معنای هر واژه پرداخته است. این کتاب به ۲۸ بخش و ۳ باب اصلی تقسیم شده است.

وی بر پایه آن چه ابن‌جنی آن را اشتقاق اکبر نامیده، برای هر واژه دو حرفی یا سه حرفی، یک یا چند حوزه معنایی در نظر گرفته است که در همه واژه‌های هم‌ریشه مشترک است و معنای واژه‌های مختلفی که از آن ریشه مشتق می‌شوند، بر پایه همین حوزه معنایی مشخص می‌گردد.^۵ اگرچه این نظریه پیش از آن در کتاب العین خلیل به گونه جابه‌جایی حروف یک واژه مطرح شده است،^۶ اما ابن‌فارس نخستین کسی است که بر آن جامه یک نظریه مستقل پوشانده است.^۷ این نظریه ابتدا در کتاب ثلاثه به صورت فشرده و خام مطرح شده، سپس در مهم‌ترین کتاب لغت وی معجم مقاییس‌اللغه بسط و گسترش یافته است.^۸ آن‌گاه وی بر پایه همین نظریه، به بحث دیگری که خود آن را «تحت» یا واژه‌تراشی خوانده است، کشیده شده که بنابر آن واژه‌های رباعی و خماسی در اثر آمیزش دو یا چند واژه و گاه یک جمله پدید آمده‌اند. چنانکه مثلاً واژه «حَيْعَل» از ترکیب واژه‌های حی و علی پدید آمده است.^۹ برخی از جنبه‌های شخصیت ابن‌فارس نیز قابل تأمل است، وی به امور دنیا سخت بی‌اعتنا بود و به همین سبب همواره از خوارمایگی هم‌روزگاران خویش شکوه داشت و چندان بخشنده

۱ - المعاجم العربیه، درویش، ص ۱۲۲.

۲ - مقدمه بر مجمل‌اللغه، سلطان، ج ۱، ص ۷.

۳ - مقدمه بر مجمل‌اللغه، سلطان، ج ۱، ص ۷۵.

۴ - همان.

۵ - المصادر الادبیه و اللغویه فی التراث العربی، اسماعیل، صص ۳۵۴-۳۵۳.

۶ - مباحثی در فقه‌اللغه و زبان‌شناسی عربی، عبدالنواب، ص ۳۳۵.

۷ - همان.

۸ - المعاجم العربیه، درویش، ص ۱۲۲.

۹ - المصادر الادبیه و اللغویه فی التراث العربی، اسماعیل، صص ۳۵۴-۳۵۳.

بود که گاه حتی جامه و فرش خانه خویش را به نیازمندان می‌بخشید.

درباره مذهب ابن فارس نیز چون بسیاری دیگر از مشاهیر اختلاف است. گفته‌اند که وی شافعی بود، اما پس از اقامت در ری به مذهب مالک درآمد.^۱ توجیه خود وی در باب این تغییر مذهب قابل تأمل است: چون در ری هیچ کس را پیرو مالک ندیدم، غیرتم به جوش آمد و به مذهب او درآمدم.^۲ اما این توجیه درباره تغییر مذهب او که ظاهراً بسیار مقید به دین بوده است، چندان راست نمی‌آید، به ویژه آنکه این تغییر مذهب درست در زمانی صورت گرفته است که وی در کنف حمایت خاندانی شیعی مذهب درآمده و با صاحب بن عباد که خود سخت پای بند این مذهب بود، دوستی یافته بود. از سوی دیگر قاضی عیاض^۳ به نقل از گروهی از مغربانی که با ابن فارس دیدار کرده بوده‌اند، مالکی بودن وی را قطعی دانسته، اما گفته است که برخی از مشرقیان او را به دلیل شرحی که بر مختصر مرنی نوشته است، شافعی دانسته‌اند، اما به رغم این گفته‌ها، طوسی^۴ و به پیروی از او ابن شهر آشوب^۵ او را در شمار شیعیان دانسته‌اند و رافعی^۶ در ادامه یکی از مجالس املای او، روایتی از امام هشتم شیعیان (ع) از او نقل کرده و در جای دیگر^۷ به کتابی که وی در معنی «آل» تألیف کرده، اشاره کرده است. برخی اشارات دیگر نیز درباره شیعه بودن وی موجود است، از جمله این که گفته‌اند وی از استادان شیخ صدوق بوده و شیخ صدوق در اکمال‌الدین خود به این موضوع اشاره کرده است.^۸ همچنین حدیثی مربوط به رؤیت امام دوازدهم (ع) نیز به وی منسوب است^۹ بنابر آن چه گفته شد، هیچ دلیل قانع کننده‌ای برای تعیین قطعی مذهب او در دست نیست. از این رو، اصحاب هر مذهب کوشیده‌اند این دانشمند بزرگ را به جرگه همکیشان خویش وارد کنند.

برخی آثار چاپ شده وی:

۱. ابیات الاستشهاد، ۲. الاتباع و المزاجه ۳. اوجز السیر لخير البشر ۴. تمام فصیح الکلام، ؛ ۵. کتاب ثلاثه. ۶. الحور العین، ؛ ۷. الخضاره، ۸. ذم الخطأ فی الشعر، ۹. الصحابی فی فقه اللغه و

۱ - نزهه الالباء فی طبقات الادباء، ابن انباری، صص ۲۲۰.

۲ - همان.

۳ - ترتیب المدارک، قاضی عیاض، ج ۴، ص ۴۱۱.

۴ - الفهرست، طوسی، ص ۳۵.

۵ - معالم العلماء، ابن شهر آشوب، ص ۲۱.

۶ - التدوین فی اخبار القزوین، رافعی، ج ۲، صص ۲۱۶-۲۱۵.

۷ - التدوین فی اخبار القزوین، رافعی، ج ۲، ص ۲۱۸.

۸ - الذریعه، آقابزرگ، ج ۷، ص ۸۲.

۹ - همان، ج ۲۰، صص ۵۲-۵۱.

سنن العرب و كلامها. ۱۰. المجمل في اللغة. 11 الفرق بين الانسان و غيره من الحيوان في اشياء من الخلق و الخلق، ۱۲. اللامات، ۱۳. متخير الالفاظ.^۱

۴. راغب

ابوالقاسم حسين بن محمد بن مفضل بن محمد معروف به راغب اصفهانی، از استادان لغت و عربی و حدیث و شعر و نویسندگی و اخلاق و حکمت و کلام می باشد. زادگاه او را شهر اصفهان نوشته اند که البته در سن جوانی به مرکز خلافت و درس و بحث علماء بغداد منتقل و به کار تحقیقات و تألیفات خویش پرداخته است. سال وفات وی مورد اختلاف است اما به قول مشهور در سال ۵۰۲ ه.ق. وفات یافته است.

از جمله آثار وی: ۱- تفسیر قرآن کریم که موفق به تکمیل آن نشده است، و بیضاوی در تفسیر خود از آن استفاده کرده است. ۲- تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین. ۳- الذریعه الی مکارم الشریعه، در تصوف. ۴- محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء ۵- مفردات القرآن، شامل لغات قرآن ۶- مقدمه التفسیر.^۲

سیوطی در کتاب (بغیه الوعاه فی طبقات اللغویین و النحاه) از سه کتاب راغب به نام های (مفردات القرآن- افانین البلاغه- محاضرات) نام می برد و می گوید: این سه را مطالعه کرده ام.^۳ در مقدمه (الاتقان) هم می نویسد: از اسامی کتاب هائی که برای تدوین این کتاب به آن ها نظر نموده ام مفردات راغب است.^۴

دائرة المعارف الاسلامیّه می نویسد:

معجمی با ارزش به ترتیب حروف الفبا به عنوان- مفردات الفاظ القرآن- تصنیف نموده که نسخه های خطی آن در استانبول و بنکپور موجود است. مفردات در حاشیه نهاییه ابن اثیر در سال ۱۳۲۲ در قاهره به چاپ رسیده که در مقدمه آن راغب طرح نوشتن کتابی در مترادفات قرآن را ترسیم نموده است و در کتاب (دره التأویل) اشاره به آیات قرآنی که در آن کتاب هست نموده است. الذریعه را قبل از مفردات- نوشته و هم چنین کتاب

۱ - برگرفته از دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ذیل واژه ابن فارس. و سیدی، محمد، ۱۵۸۰، تهران: دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۶۹. [online] <<http://www.cgie.org.ir/shaved.as/html>> [2009/6/27]

۲ - برگرفته از ترجمه مفردات، راغب، م. خسروی، ج ۱، ص ۷۳-۷۴.

۳ - بغیه الوعاه، سیوطی، ج ۲، ص ۲۹۷.

۴ - الاتقان، سیوطی، ج ۱، ص ۱۸.

حلّ متشابهات القرآن و کتاب الذریعه الی مکارم الشریعه و کتاب تفضیل النشأتین - که در قاهره چاپ شده است.
مشهورترین کتاب راغب (محاضرات الادباء) است با نظم و نثر نوشته شده و نسخه‌های خطّی آن در (استانبول - دمشق - قاهره) موجود است.
این کتاب را اوّلین بار فلوگل آلمانی به اروپائیان شناساند که با حاشیه کتاب ثمرات الاوراق - از ابن حجه - چاپ بولاق در سال ۱۲۸۷ ه.ق به چاپ رسید. نسخه خطّی کتاب (تحقیق البیان) راغب که در لغت و نویسندگی و اخلاق و عقاید و فلسفه و علوم اوایل است در مشهد موجود است.^۱

کتاب ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه و الادب، مصنّفات زیر را برای راغب ذکر می‌کند:

الف - افانین البلاغه. ب - الایمان و الکفر. ج - تحقیق البیان فی تأویل القرآن. د - تفسیر القرآن و به جامع التفسیر معروف است. ه - تفضیل النشأتین. و - الذریعه الی مکارم الشریعه. ز - جامع التفسیر که ذکر شد، در آداب و اخلاق و تصوّف و مواظب نیکو و گاهی از کلیله و دمنه در آن نقل شده است و دو بار در قاهره به چاپ رسیده است. ح - محاضرات الادباء. ط - المفردات فی غریب القرآن. ی - مقدّمه تفسیر که در مصر ذیل تنزیه القرآن قاضی عبد الجبّار چاپ شده.^۲

۵. فیروزآبادی

«مجدالدین ابوطاهر، محمد بن یعقوب فیروزآبادی» در کازرون متولد شد و از هشت سالگی در شیراز به تحصیل علوم متداول زمان خود پرداخت سپس در بغداد از دانش علمایی چون «تقی الدین سبکی» بهره برد. وی پس از سال‌ها اقامت در مکه معظمه و هند به دعوت «سلطان احمد بن اویس» به بغداد مراجعت کرد و از آن‌جا عازم ایران شد. این مؤلف مسلمان در زمینه حدیث، تفسیر، تاریخ نیز کتاب‌هایی نوشته است اما حوزه اصلی فعالیت وی در لغت‌نویسی است. فیروزآبادی با تألیف کتاب قاموس، یکی از معتبرترین لغت‌نامه‌های زبان عربی را عرضه کرد. «سفرالسعاده» به زبان فارسی و «تنویر المقیاس» از دیگر آثار این لغت‌شناس برجسته به شمار می‌رود. «فیروزآبادی» در سال ۸۰۶ هجری قمری بار دیگر به حج رفت و در

۱ - دائرة المعارف الاسلامیّه، ج ۹، ص ۴۷۵.

۲ - ریحانه الادب، مدرس تبریزی، ج ۲، ص ۶۶.

بازگشت از این سفر دار فانی را وداع گفت.^۱

۶. ابن منظور:

ابوالفضل محمد بن مکرم بن منظور آفریقایی، لغوی و ادیب متولد سال ۶۳۰ ه.ق است و در سال ۷۱۱ ه.ق از دنیا رفت. بیشتر مآخذ کهن او را ابن مکرم خوانده‌اند. کنیه مشهور وی برگرفته از نام هفتمین جدش منظور ابن معافی است. ابن منظور نسب خود را با 18 واسطه به رویف ابن ثابت انصاری (د ۵۶ ه.ق)، صحابی پیامبر اکرم (ص) که از جانب معاویه بن ابی سفیان در ۴۶ ه.ق امارت طرابلس غرب را عهده‌دار شد، رسانیده است.^۲ برخی گفته‌اند او در مصر متولد شده و برخی نیز او را منسوب به طرابلس می‌دانند. در «دیوان الانشاء» خدمت می‌کرد و شاگرد ابن مقیر بود. او منصب قضاوت را در طرابلس به دست آورد و سپس به مصر دیار خود بازگشت و بقیه عمر خود را در آن جا سپری کرد. او در همان جا وفات یافت و بعد از مرگش نزدیک به پانصد جلد کتاب با دست خط خود بر جای گذاشت. گفته‌اند در آخر عمر بینایی اش را از دست داده بود. ابن منظور به خاطر تصنیف کتاب بزرگ خود یعنی «لسان العرب» مشهور شد. از دیدگاه ابن منظور هیچ یک از لغت‌نویسان پیشین دو جنبه گردآوری و سامان‌دهی را یک جا به کمال نرسانده‌اند.^۳ او ویژگی آثار لغوی دیگر را تأکید بر مآخذ و روایت‌های شفاهی می‌دانست و تازگی کار خود را در تکیه کامل بر کتب لغت می‌دید. ابن منظور به عقیده خویش توانسته است آراء پراکنده لغویان مشرق و مغرب را گردآورد و جامعیتی به لسان دهد که گذشتگان به سبب عدم نقل تمام از سایر لغت‌نامه‌ها، به آن نرسیده بودند.^۴ در این کتاب، ابن منظور ریشه‌های لغات را به پیروی از جوهری بر پایه نظام قافیه ترتیب داده است. بر حسب این نظام، ملاک ترتیب الفبایی ریشه‌ها در مرتبه اول، حرف پایانی و سپس به ترتیب، حرف نخست و سرانجام حرف میانی است. ابن منظور به مختصر کردن کتاب‌های مفصل علاقه داشت.^۵ از جمله آثار چاپ شده وی بدین قرار است:

۱. سرور النفس بمدارک الحواس الخمس، گزیده‌ای از فصل الخطاب احمد بن یوسف
۲. مختار الاغانی فی الإخبار و التهانی، گزیده‌ای از الاغانی ابوالفرج اصفهانی است.
۳. مختصر تاریخ دمشق ابن عساکر.

۱- [online]- <www.tebyan-hamedan.ir/mashahir/archives/-20.php/html> [۲۰۰۹/۶/۲۷]

۲ - لسان العرب، ابن منظور، ج ۱، ص ۲۶۴-۲۶۳.

۳ - لسان العرب، ابن منظور، مقدمه.

۴ - لسان العرب، ابن منظور، مقدمه.

۵ - الدرر الكامنه، ابن حجر، ج ۶، ص ۱۵.

تعریف واژه ها

برخی از واژه هایی را که بعضاً در این تحقیق از آن ها استفاده شده و برای خوانندگان مفید است توضیح می دهیم.

اشتقاق

اصطلاحی در دستور زبان عربی است. اشتقاق در لغت به معنی بر گرفتن بخشی از یک چیز است. این کلمه تقریباً معادل علم ریشه شناسی، و در اصطلاح دانشمندان عرب در آوردن یک لفظ از لفظی دیگر است به شرط مناسبت در معنی و ترکیب، و مغایرت در ساخت (جرجانی، ۲۷). موضوع اشتقاق از دیرباز توجه بسیاری از دانشمندان و زبان شناسان عرب را به خود معطوف داشته است و از ابتدای سده دوم هجری قمری تألیف در این زمینه آغاز می گردد.^۱

۱- اشتقاق صغیر یا اصغر:

در این نوع اشتقاق ترتیب بین حروف اصلی کلمات محفوظ و بدون تغییر است مانند اشتقاق افعال و صفات از مصادر مثل العلم، علم، یعلم، اعلم و عالم.

۲- اشتقاق کبیر:

این نوع اشتقاق از قلب و جا به جایی حرف های یک کلمه ۳ حرفی یا ۴ حرفی به دست می آید که میان آن ها معنای مشترکی وجود دارد و ترتیب حروف در آن ها یکسان نیست، مثلاً کلم، کمل، مکل، ملک، لکم، لمک که همه آن ها در یک مفهوم (قوت و شدت) شریکند.^۲ و یا مانند حمد و مدح.

۳- اشتقاق اکبر:

در این نوع حروف اصلی یکسان نیست و ترتیب حروف نیز رعایت نشده است؛ اما در لفظ و معنای دو کلمه تناسبی یافت می شود. مانند خبت و خبط و خفت و خفی که به معنای پایین آمدن و کم شدن است. اما اشتقاق اکبر را بیشتر یک پدیده صوتی و لهجه ای دانسته اند، تا اشتقاقی.^۳

۱ - دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل واژه اشتقاق.

۲ - ابن جنی، الخصائص، ج ۲، ص ۱۳۴-۱۳۸.

۳ - المزهر، سیوطی، ج ۱، ص ۴۶۰ و فقه اللغة العربیه، یعقوب، ص ۲۰۸.

معنای اصلی (اصل واحد)

در هر قسمت از پایان نامه که یکی از عبارات (اصل واحد)، (معنای اصلی) و (در اصل به معنای) آمده است، در واقع مراد معنای حقیقی و مفهوم اصیلی است که در تمام صیغ و کلمات یک ریشه ساری و جاری است.

تغییر در صیغ و اشکال مختلف کلمات باعث تغییر و از بین رفتن معنای اصلی نمی شود بلکه می تواند معنای دیگری در اثر تغییر هیأت بدان کلمه اضافه گردد.

مصطفوی گوید: (این معنا اصل مسلّم و قطعی است برای کسی که بخواهد در مورد کلمه‌ای تحقیق کند و اغلب این معنای اصلی از نظر اهل تالیف مانند: لغویین و ادباء و مفسرین پنهان می ماند).^۱

و اما چگونگی تعیین معنای اصلی یک کلمه:

با مراجعه به کتب لغتی چون مقایس اللغه، العین، مفردات و مصباح المنیر معنای اصلی هر ریشه به دست آمده است. لازم به ذکر است سهم کتاب معجم مقایس اللغه، ابن فارس از دیگر کتاب ها به دلیل توجه خاصی که ابن فارس به معنای اصلی هر ریشه داشته است بیشتر می باشد.

ایشان برخلاف دیگر مؤلفین برای اکثر ریشه ها تحت عنوان: (اصل واحد) و یا (له أربعه اصول) و مانند آن معنا یا معانی اصلی ریشه را بیان کرده اند.

البته مصطفوی نیز پس از بیان نظر ابن فارس و دیگر بزرگان چنین روشی را در پیش گرفته‌اند اما با توجه به قدمت کتاب مقایس به آن کتاب ارجاع داده شده است و در مواردی که ابن فارس معنای اصلی برای ریشه ذکر نکرده است به دیگر کتب از جمله التحقیق مراجعه شده است.

از ویژگی های دیگر کتاب ابن فارس این است که وی برخلاف دیگر کارهای مشابه به تمام لغات یک ریشه توجه کرده است حتی اگر یک واژه به معنای دیگری بوده است برای آن ریشه دو معنا ذکر کرده است.

مجاز و استعاره

مجاز لفظی است که در غیر آن چه در اصطلاح اهل لغت برای آن وضع شده، استعمال شود. و این استعمال به دلیل علاقه‌ای که بین معنای حقیقی و مجازی وجود دارد همراه با قرینه‌ای است که مانع از اراده‌ی معنای وضعی آن می‌شود. مجاز خود بر دو نوع است: ۱- مجاز

۱ - التحقیق، مصطفوی، ج ۱، ص ۱۲.

مرسل، ۲- استعاره. اگر علاقه یعنی مناسبتی که بین معنای حقیقی و معنای مجازی وجود دارد غیر مشابهت باشد مجاز مرسل و اگر علاقه مشابهت باشد، استعاره است. مثلاً در جمله (ماه انجمن سخن خواهد گفت) ماه، استعاره است، و سخن خواهد گفت قرینه مانع است، یعنی مانع می شود ماه آسمان را اراده کنیم، چون ماه آسمان سخن نمی گوید. بین ماه حقیقی و ماه مجازی (چهره زیبا) مشابهت وجود دارد و آن زیبایی است.^۱

تضمین

به کار بردن فعلی با حروف متعلق به فعل دیگر، به گونه ای که علاوه بر معنای خود، معنای فعل دیگر را نیز به مخاطب منتقل کند. چنان که طریحی چنین می گوید:

کَمَا يَتَضَمَّنُ مَتَعَدِي بِنَفْسِهِ مَعْنَى مَتَعَدِي بِحَرْفٍ فَيَتَعَدَّى بِهِ، كَذَلِكَ قَدْ يَتَضَمَّنُ الْاَلَزْمُ مَعْنَى الْمَتَعَدِي فَيَتَعَدَّى بِنَفْسِهِ.^۲ هم چنانکه فعل متعدی بنفسه متضمن معنای فعل متعدی به حرف می شود، فعل لازم هم ممکن است متضمن معنای فعل متعدی شده و متعدی بنفسه شود. مانند: «أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ» (اعراف/۱۷۶) در این جا قاعده ی تضمین صورت گرفته است و (اخلد الی) علاوه بر معنای (خلد) معنای (رکن الی: میل کرد) را نیز در بردارد.

مروری بر تحقیقات انجام شده:

دانش لغت عبارت از بیان وضع کلمه ها و وضع لغات است. و از آن جا که فساد وارد زبان عربی شده بود؛ به تدوین آن همت گماشتند. آن فساد در نتیجه ی آمیزش و رفت و آمد عرب ها با بیگانگان همچنان ادامه یافت و به علت انحراف از زبان اصلی بسیاری از لغات عرب در معنای تازه ای به کار برده شدند که در آغاز برای آن معنی وضع نشده بودند گذشته از این که نژادهای غیر عرب اصطلاحاتی مخالف اصول عربی به کار می بردند. این ها همه سبب شد که به وضع اصلی لغات درنگرند و ناگزیر برای حفظ آن، کلمات را با معانی خاص و ضبط آن ها تدوین کنند از بیم آن که مبدا لغت عرب دستخوش زوال گردد و در نتیجه مسلمانان از فهم قرآن و حدیث محروم شوند.^۳

۱ - برگرفته از ترجمه جواهرالبلاغه، م. حسن عرفان، ج ۲، صص ۱۱۰-۱۰۸، با تغییر و تلخیص.

۲ - مجمع البحرین، طریحی، ص ۵۹۸.

۳ - دانش لغت، م. پروین گنابادی، ص ۸.

و اما در ایران تدوین فرهنگ= واژه‌نامه / واژگان / لغتنامه / قاموس / معجم و نیز دایره‌المعارف= دانشنامه / و اخیراً در زمینه‌هایی که به زبان عربی است: (موسوعه) سابقه‌ای هزار ساله، یعنی برابر و حتی کمی بیشتر از شاهنامه فردوسی دارد.^۱

یافتن معنای لغات قرآن کریم پیشینه‌ای همزمان با نزول قرآن کریم دارد. بنا به گفته علمای ادب و واژه‌شناسی نخستین کسی که در لغات و علم قرآن و قرائات مورد استناد و استشهاد دانشمندان قرن‌های دو و سه و چهار تا کنون قرار گرفته- ابو عمرو بن علاء- است که به گفته ازهری: «کان من أعلم الناس بالفاظ العرب و نوادر کلامهم و فصیح اشعارهم و سائر امثالهم: او داناترین مردم به الفاظ عرب و نوادر کلام، و اشعار فصیح و مثل‌های رایج بود».^۲ ولی از او اثر مکتوبی باقی نیست، هر چند که در تمام آثار علمی و ادبی و قرآنی از او نقل شده و در اثر زهد بسیاری از کتب اشعار جاهلی خود را سوزاند و به حج رفت، وفاتش ۱۵۴ هجری قمری است.^۳

ابان بن تغلب نخستین کسی است که غریب مفردات قرآن تألیف نموده و به جمع‌آوری و ترتیب آن پرداخته است، متوفی ۱۴۱ هجری و از اصحاب حضرت باقر و حضرت صادق^۸ است.^۴ پیشینه‌ی تألیف درباره لغات قرآن کریم را در چهار بخش می‌توان بررسی کرد:

۱- مواردی که به بیان معانی کل لغات ادبیات عرب می‌پردازد. این کتب هنگامی که به واژه‌های به کار رفته در قرآن کریم رسیده‌اند معنای خاص آنان را بیان کرده و از قرآن کریم شاهد آورده‌اند مانند: ۱- قاموس المحيط، فیروزآبادی، ۲- العین، خلیل بن احمد، ۳- مصباح المنیر، فیومی، و از کتب جدید ۴- لسان العرب، ابن منظور.

۲- فرهنگ‌های خاص قرآن کریم که به بیان اغلب واژه‌های قرآن کریم پرداخته‌اند خواه آن لغات سهل و یا مشکل باشند. در این زمینه کتاب‌های بسیاری نوشته شده است از جمله: ۱- مفردات، راغب اصفهانی ۲- التحقیق، مصطفوی، و از کتب معاصر ۳- لغت‌نامه قرآن کریم، محمود عادل ۴- فلق، زهرا آقا محمد شیرازی؛ وی با استفاده از ۵ ترجمه به بیان معنای لغات پرداخته است. ۵- فرهنگ لغات قرآن کریم، معصومه فرح اکبری (هنوز به چاپ نرسیده است). ۶- فرهنگ کل قرآن کریم، عباس شوشتری مهرین ۷- قاموس قرآن، قرشی.

۳- مواردی که به بیان برخی لغات قرآن کریم تحت عنوان غریب القرآن پرداخته‌اند؛ این روش قدیمی‌ترین و گسترده‌ترین روش برای یافتن معنای لغات قرآن کریم بوده است. اغلب این موارد بر اساس روایت ابن عباس تهیه و تنظیم شده است. از جمله: ۱- غریب القرآن زید بن علی بن حسین که چینش آن به ترتیب سوره‌های مصحف می‌باشد ۲- النهایه، ابن اثیر،

۱ - فرهنگ و فرهنگ‌نامه نویسی، بهاء‌الدین خرّمشاهی، ص ۱.

۲ - تهذیب اللغه، ازهری، مقدمه.

۳ - ترجمه مفردات، راغب، م. خسروی، ج ۱، ص ۴۲.

۴ - الفهرست، ابن ندیم، ص ۳۲۲ و رجال، نجاشی، ص ۷.